

## عنوان مقاله:

صلح مردم سالارانه کانت؛ افسانه تحقق یا عدم تحقق آن

## محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی صلح پژوهی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسنده:

محمدعلی شعبانی - کارشناسی علوم سیاسی گرایش مطالعات، منطقه ای، مرکز بین المللی، توسعه صلح فرهنگ و عقانیت، قم، ایران

## خلاصه مقاله:

نظریه صلح مردم سالارانه موضوعات نظری بسیار مهمی را در عرصه سیاست بین الملل به میان می آورد. این ادعا که رفتار دولتهای مردم سالار در قبال یکدیگر با رفتارشان در قبال دولتهای غیر مردم سالار یکسان است تا قلبمباحثه نظریه روابط بین الملل درباره برجستگی نسبی تبیینهای ناظر بر نتایج سیاسی بین المللی که مبتنی بر تصویرسیاست داخلی و نیز تصویر ساختار نظام هستند تاثیر می گذارد. از این گذشته، نظریه صلح مردم سالارانه در جهانواقع نیز حائز اهمیت است. سیاستگذارانی که به نظریه فوق باور دارند بین امنیت آمریکا و گسترش مردم سالاریبیوند تعیین کنندهای می بینند که از نظر آنان نوش دارویی برای جلوگیری از جنگ های آینده است. در واقع برخی از نظریه پردازان صلح مردم سالارانه که در نظامی بین المللی که از تعداد تعیین کنندهای از دولت های مردم سالار تشکیل یافته باشد، شاید تا حدودی این امکان وجود داشته باشد که اصول واقع گرایی را که دست کم از قرن هفدهم به اینسو با حذف اصول لیبرالیستی و یا آرمانگرایانه بر رویه دولت ها سایه افکنده است از دور خارج کنیم. اگر چه از قرن نوزدهم شاهد عملی تر شدن نظریه رئالیسم یا واقع گرایی در سطح نظام بین الملل بر اساس رویدادهای حادث در این قرن بوده ایم. در مقاله حاضر، توجه ما اساسا معطوف به انتقاد از مجاب کننده بودن منطق علی نظریه صلح مردم سالارانه است و می خواهیم ببینیم آیا نظریه یادشده بهتر نتایج بین المللی را پیش بینی می کند یا مکتب واقع گرایی. پساز آن، با توجه به نتیجه هایی که درباره میزان قدرت تبیین نظریه صلح مردم سالارانه می گیریم به ارزیابی مختصرقوت و قدرت شواهد تجربی این نظریه می پردازیم.

## کلمات کلیدی:

صلح مردم سالارانه، هنجارها و فرهنگ، دولت های مردم سالار، محدودیت های نهادی، مکتبواقعگرایی.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1594325>

